

بیانیه جمعیت اعتلای نهادهای مردمی در واکنش به نامه استادان دانشگاه:

نبرد ۱۲ روزه ایران و رژیم صهیونیستی یک «جنگ ترکیبی» بود، نه صرفاً یک درگیری مرزی

جمعیت اعتلای نهادهای مردمی انقلاب اسلامی به نامه ۱۸۰ استاد دانشگاه درباره جنگ اخیر با رژیم صهیونیستی پاسخ داد و آن را ناپخته و یک‌سویه توصیف کرد. این جمعیت در بیانیه‌ای رسمی تأکید کرد که تحلیل صرف هزینه-فایده در ارزیابی این نبرد اشتباه است و آن را یک «جنگ ترکیبی» با ابعاد راهبردی و تمدنی دانست.

به گزارش خبر پایگاه اطلاع رسانی اعتلای نهادهای مردمی، جمعیت اعتلای نهادهای مردمی انقلاب اسلامی به نامه ۱۸۰ استاد دانشگاه درباره جنگ اخیر با رژیم صهیونیستی پاسخ داد و آن را ناپخته و یک‌سویه توصیف کرد. این جمعیت در بیانیه‌ای رسمی تأکید کرد که تحلیل صرف هزینه-فایده در ارزیابی این نبرد اشتباه است و آن را یک «جنگ ترکیبی» با ابعاد راهبردی و تمدنی دانست.

در این بیانیه به اهمیت قدرت میدانی برای مذاکره موفق اشاره شده و آمده است که اقدام جمهوری اسلامی در پاسخ به تجاوزات صهیونیستی، نمایش قدرت ملی و پشتیبانی گسترده مردم از این اقدام را نمایان کرده است. جمعیت اعتلا همچنین هشدار داد که نگاه تک‌سویه به واقعیت‌های اجتماعی و نادیده گرفتن پیروزی‌های ایران در این زمینه، تحلیل‌ها را دچار نقصان می‌کند.

با تأکید بر اینکه دانشگاه‌ها باید هم منتقد و هم مروج دستاوردهای ملی باشند، این جمعیت آماده برگزاری نشست‌های تحلیلی و گفت‌وگو محور با استادان دغدغه‌مند کشور برای ارتقاء تحلیل‌های راهبردی در تراز انقلاب اسلامی شد. در پایان، جمعیت اعتلا بر اتحاد و انسجام نخبگان در راستای تبیین واقعیت‌ها و تقویت جبهه مقاومت تأکید کرد.

متن بیانیه جمعیت اعتلای نهادهای مردمی انقلاب اسلامی به شرح زیر است:

باسمه تعالی

با اهدای سلام و احترام؛

در پی انتشار نامه جمعی از استادان دانشگاه در تحلیل و ارزیابی اقدامات جمهوری اسلامی ایران در جریان نبرد ۱۲ روزه با رژیم صهیونیستی، که با نیت خیرخواهانه اما با رویکردی یک‌سویه، ناپخته و بعضاً ناآگاه از مختصات میدان نبرد شناختی و تمدنی تنظیم گردیده است، جمعیت اعتلا، ضمن استقبال از نقد نخبگانی، لازم می‌داند نکات زیر را جهت تنویر افکار عمومی و تبیین حقیقت امر، به‌صورت رسمی اعلام نماید:

۱. تحلیل صرف هزینه-فایده، بدون درک ابعاد راهبردی نبرد، ساده‌سازی واقعیت است.

در نامه مذکور، رویکردی کمی و خطی به مقوله جنگ اتخاذ شده که صرفاً مبتنی بر برآورد هزینه‌ها و فایده‌های اقتصادی و سیاسی ظاهری است. این در حالی است که نبرد ۱۲ روزه، نه یک درگیری مرزی یا حادثه موضعی، بلکه مصداق بارز یک «جنگ ترکیبی» در تراز تمدنی و راهبردی بود.

در این نبرد، جمهوری اسلامی ایران:

معادله بازدارندگی را به‌نفع جبهه مقاومت تثبیت کرد؛

هیمنه پوشالی رژیم صهیونیستی را در هم شکست؛

پیام روشنی از توان پاسخ‌گویی راهبردی خود به دشمنان و دوستان منطقه‌ای و بین‌المللی مخابره کرد؛ و نقشه راه یک نظم نوین مقاومت‌محور در منطقه را ترسیم نمود.

نادیده‌انگاری این دستاوردها، تحلیل را از دقت و جامعیت تهی می‌سازد.

۲. تجربه مذاکرات گذشته، مؤید آن است که اقتدار میدانی شرط لازم مذاکره موفق است.

در شرایطی که تجربه برجام، وعده‌های عمل‌نشدن طرف‌های غربی، و زیاده‌خواهی‌های مکرر آنان در حافظه جمعی ملت ایران ثبت شده است، تأکید بر مذاکره بدون پشتوانه قدرت، نه تنها بی‌ثمر بلکه آسیب‌زا خواهد بود.

اقدام راهبردی ایران در پاسخ مستقیم به تجاوز صهیونیستی، صرفاً یک اقدام تهاجمی نبود، بلکه نمایش قدرت ملی، و ارسال پیام قاطع به دشمن بود مبنی بر این که ایران «بی‌پاسخ» نخواهد ماند. این سطح از بازدارندگی، شرط لازم برای هرگونه گفت‌وگوی عزتمندانه و اثربخش در آینده است.

۳. نگاه تک‌سویه به جامعه، نادیده‌انگاشتن واقعیت‌های اجتماعی است.

ادعای نگرانی نسبت به تبعات اقتصادی و اجتماعی جنگ، در حالی بیان می‌شود که شور و شعور عمومی پس از پاسخ قاطع ایران به رژیم صهیونیستی، از حمایت وسیع مردمی در داخل کشور و در میان ملت‌های جبهه مقاومت حکایت دارد.

مردم ایران بارها نشان داده‌اند که امنیت بدون اقتدار را نمی‌پذیرند و تعامل را در سایه عزت می‌خواهند، نه در زیر سایه تهدید و تحقیر.

۴. نسخه‌های کلی برای «تنش‌زدایی» بدون ارائه راهکارهای عینی، در تعارض با واقعیت میدان است

ادبیات مبهم نامه، در قالب تعبیری چون «پرهیز از ماجراجویی» یا «تجدیدنظر در سیاست خارجی»، فاقد هرگونه طرح عملیاتی و متناسب با مختصات واقعی منطقه و ساختار قدرت جهانی است. در شرایطی که ایران با جبهه‌ای از تهدیدات نظامی، اطلاعاتی، سایبری و شناختی مواجه است، عقب‌نشینی راهبردی نه به کاهش تنش، بلکه به تشدید فشار و بازگشت هژمونی دشمن خواهد انجامید.

۵. دانشگاه‌ها مأموریت دارند هم منتقد باشند و هم مروج جهاد تبیین.

بی‌تردید، نقد سازنده از لوازم حیات علمی دانشگاه است؛ اما تقلیل مأموریت دانشگاه به «منتقد ساختار» بدون ایفای نقش در تبیین دستاوردهای ملی و تقویت روحیه ملی، موجب خلل در مرجعیت نخبگانی خواهد شد.

در نامه مذکور، کوچک‌ترین اشاره‌ای به پیروزی‌های سیاسی، روانی، و رسانه‌ای ایران در نبرد اخیر، دیده نمی‌شود؛ از جمله:

تثبیت معادله تقابل متقارن با رژیم صهیونیستی
افزایش انسجام جبهه مقاومت در منطقه
نمایش اقتدار نظامی در سطح بین‌المللی
و تضعیف جایگاه اسرائیل در افکار عمومی جهان

آیا می‌توان از دانشگاهی که این دستاوردها را نادیده می‌گیرد، انتظار جهاد تبیین داشت؟

جمعیت اعتلای نهادهای مردمی انقلاب اسلامی، با تأکید بر احترام به جایگاه علمی استادان دانشگاه، معتقد است که:

نقد‌های نخبگانی، هنگامی ارزشمند و مؤثر خواهد بود که در امتداد آرمان‌های انقلاب اسلامی، منافع ملی، و منطق مقاومت هوشمندانه باشد.

هرگونه تحلیل نخبگانی، اگر از واقعیت میدان، اقتضائات ژئوپلیتیکی، و ابعاد جنگ شناختی غفلت کند، ناخواسته در زمین بازی دشمن عمل خواهد کرد. دانشگاه، سنگر عقلانیت تمدنی و مرجع جهاد فکری است، نه بازتاب روایت‌های القایی رسانه‌های بیگانه.

در پایان، این جمعیت آمادگی خود را برای برگزاری نشست‌های گفت‌وگو محور و تحلیل تمدنی با استادان دغدغه‌مند کشور اعلام می‌دارد تا با بهره‌گیری از خرد جمعی، گام‌هایی در راستای تقویت انسجام نخبگانی و ارتقاء تحلیل راهبردی در تراز انقلاب اسلامی برداشته شود.

در صف ملت، در کنار مقاومت، در سنگر تبیین ایستاده‌ایم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

جمعیت اعتلای نهادهای مردمی انقلاب اسلامی